

## گوشه های از بحث فدرالی، مصالحه سیاسی و اظهارات سیاف

### قسمت دوم

آمدیم در مورد اظهارات جناب عبدالرسول سیاف و اظهارات مشابه مبنی بر خوب کشتن و خوب کوفتن مخالفین دولت و ... باید خوب کشت و خوب هیبت و میمنت و ترس دولت را اظهار کرد و خوب اعدام کرد و رئیس جمهور حق ندارد که عفو کند و از یک طرف صلح و از طرف دیگر جنگ و این حالت بر روحیه دولت و قوا تأثیر بد دارد و . . . .

غیر قابل انکار است که مصالحه سیاسی بمفهوم واقعی کلمه که در نتیجه آن سخن اصلی را ملت داشته باشد، احزاب و سازمان های سیاسی عوض گرفتن سلاح و استعمال توپ و تانک، اعمال انتحاری و خراب کاری، برای تحقق و گرفتن مشروعیت برنامه های خویش باید به ملت مراجعه کنند. این سیاست قایمقام ندارد. مصالحه سیاسی بصورت حتمی قبول نسخه مقابل نیست بلکه متمدن ساختن حیات سیاسی است.

درین سلسله انهایی که نمیخواهند نتیجه سیاسی کشور انعکاس واقعی از نیروهای سیاسی جامعه باشد و باین ترتیب بر تمام حاکمیت سینه پهن کرده و غیر از خود کس دیگری را دیده نمیتوانند و خود را یگانه وارث این مرز بوم مشترک میدانند در واقعیت عاملین اصلی این حالت رقت بار کشور بوده و به ادامه اشک و خون مردم ما دامن میزنند. نمیگذارند عده ای از هموطنان که به اثر عوامل موجه و غیر موجه، آگاهانه و غیر آگاهانه، به رضایت و عدم رضایت در نهایت امر سلاح دشمن را به شانه کرده و مردم را میکشند و خراب کاری میکنند، دست ازین اعمال بردارند. درین امر یک مسأله دیگر هم مهم است تا استدلالی که مخالف خرابکار و یا مبارز اما در عمل و نتیجه مجری اعمال که منجر به خرابی و تباهی انسان و انسان افغان می شود، چطور شود که به اصطلاح ازین استدلال خلع سلاح شود و استدلال برای جلب همکاری مردم را از دست بدهد؟

واقعیت چنین است که با دشمن و خراب کار جنگیدن و از کشور و مردم دفاع کردن کار ارگانهای امنیتی است. جنگیدن به این مفهوم با بحث مصالحه به مفهوم واقعی کلمه در تضاد نیست. اما اگر متخلف قبل از دستگیر شدن و محوه شدن از جانب مقامات امنیتی کشور دست از تخلف برمیدارد و تسلیم میشود در آن صورت حالت دیگر و باوی مصالحه سیاسی صورت میگرد کاملاً منطبق خویش را دارد. درین مورد حق العبد و حق الله هر یک جایگاه و اصول خویش را دارد. در مورد قوانین جزای جهانی و افغانستان نیز درین مبحث هدایات روشن وجود دارد. رئیس جمهور یک کشور مطابق به قانون در تمام مراحل اجراءات جزایی از دستگیری و قبل از دستگیری و بعد از دستگیری و درحین جریان محکمه و بعد از صدور حکم و در جریان تطبیق حکم نهایی میتواند با ذکر دلیل و بدون ذکر دلیل شخص را مورد عفو قرار داده و یا مجازات تعیین شده او را تخفیف و یا ببخشد و یا پروسه اجراءات جزایی را متوقف سازد.

اما این همه حالات به این معنا نیست که اگر رها شد باز مورد پیگرد قرار گرفته نمی تواند. بخشیدن در وقت قدر شهادت است و این مسایل شجاعت، شهادت، درایت و در نظر داشت باریکی های بس جدی را احتیاج دارد.

این عفو گذشته و با نوعی از مسامحه به این معنا نیست که اگر کسی بعد از این گذشت و عفو باز هم تخلف کرد مسأله و روش مصالحه سیاسی منطبق خویش را از دست بدهد.

دلیل سخیف و ضعیف بالاتر دیگر وجود ندارد که استدلال شود ماشخص را مدت های طولانی دستگیر و توقیف نموده و آزادی وی را سلب کرده ایم به علت اینکه ممکن در صورت رهایی واپس به دشمن خواهد پیوست. آیا در قرن بیست و یک و مطابق به اصول انسانی همچو استدلال منطبق دارد؟ اصلاً همچو استدلال شرم آور است و به هیچ صورت به آن استناد شده نمی تواند. ملاکندو بعد از رها شدن به مخالفین پیوست لذا من ملا احمد و محمد و ... رها نمی کنم و جرم و خطای وی را نیز به وی ابلاغ نمی کنم. اما در زندان و توقیف سالهای سال نگه میدارم که نه شود مانند ملا کندو عمل نه کند. همچو دلیل واقعا لکه شرم و ننگ است به نام عدالت و دیموکراسی.

تصور کنید که اگر همچو دستگیر شده و توقیف شده خود شما و یا اولاد و قریب شما باشد. یک حالت دیگر را تصور کنید: شخصی شما تصادفاً در محل بدون قصد کدام جرم به اساس اشتباه یک سرباز به دلیل اینکه ریش دارید

و به زبان معین تکلم میکنید و درمحل معیین زندگی میکنید ویا نماز میخوانید و یا حتی هم سلاح دارید ، دستگیر شده و بدون سرنوشت به زندان افتاده و مورد اذیت قرار بگیرید.

درموردسلاح بخاطر متذکر شدم که همه میدانید که حاکمیت امنیت خود را گرفته نمی تواند چه رسد که امنیت مردم را بگیرد و مردم ما خاصتا درمحللات مجبور هستند امنیت زن و فرزند ، خود و دارایی خویش را خود بگیرند و هست موارد که مردم سلاح گرفته و حتی کاری با اجانب و قوای دولتی و سیاسی اصلا ندارند. ریش دارند، لنگی میزنند و مسلمان اند نماز میخوانند. ایا این حالت میتواند به مجرم بودن و نگه داشتن وی سالهای سال درجیل و زندان منجر شود؟

عدالت و انسانییت نمی تواند این حالت بپذیرد.

اگر متخلف است باید علیه وی اقامه دعوی شده و مطابق به قانون نافذ جزا داده شود.

اگر نه بهیچ صورت نمیتوان قبول کرد که شخص بدون حکم محکمه ویا مراجع عدلی و قضایی باساس حکم اداری آزادی اش سلب، مورد عذاب و عتاب قرار گرفته و سالها در زندان باقی بماند. کاری را که همین حالا در افغانستان عام است و به هزاران هزار هموطن من و شما بهمین سرنوشت مواجه اند. کجاست آن عدالت پروری و حق جوی، دیموکراسی و حقوق بشر و . . . این حالت شرم و ننگ تاریخی است بر عدالت و لکه ننگ است بنام انسانییت.

این حاکمیت نتوانسته از اتباع خویش دفاع کند و توقع دارد که مردم باید به پروسه صلح و آشتی بپیوندند.

عجب استدلالی: قانون که من ساخته ام قبول کن. سلاح خویش را به زمین بگذار بیا من برایت درحاکمیت سهم میدهم. این توهین است. به این معنا که شما برای حصه داشتن درحاکمیت مبارزه میکردید کن شما را این حصه را میدهم. مشروعیت گرفتن از جانب مقابل توهین به یک دیگر است. مشروعیت نسخه و برنامه های مطروحه باید از مردم بدست آید. اگر ما به این معتقدیم که مقابل چیزی برای پیش کش کردن ندارد و دریموکراسی و حاکمیت مردم میمیرد و توان نفس کشیدن را در صورت انتخاب آزاد مردم نه خواهد داشت. پس چرا درانتخابات تخلف و از اظهار نظر عادلانه مردم ترس دارند و در تطبیق دیموکراسی به صدها تقلب و تخلف صورت میگیرد و زمینه انتخاب آزاد مردم مهیا نمی شود. فریب و تقلب میکنند و تصور دارند که کسی نه فهمید و یا نمی فهمد.

مسلم این است که مردم هوشیار و تخلف و فریب را کاملا درک میکند. اگر دست مردم حالا به گریبان حاکمیت نمیرسد این روز آمدنی است و به عدالت الهی خو ایمان داریم. حسبنا الله - نعم المولی و نعم الوکیل.

یکبار دیگر تأکید کردن ضرورت است که در مصالحه سیاسی یکی از اهداف این است تا عده ایکه در خدمت استخبارات اجنبی قرار گرفته و به خراب کاری مصروف اند ویا بفرار مجبور شده و دست به صلاح برده اند و یا چاره جز گرفتن سلاح برای تحقق برنامه های سیاسی خویش ندارند، چطور شود ازین حالت وطلسم خارج شوند. تمام جوانب با هم مذاکره نموده و عوض خراب کاری و در خدمت اجانب بودن و برتریت دادن به منافع و مصالح خارجی و درپیش گیری راه تشدد، در خدمت وطن و هموطن و صلح و برادری قرار گیرند. بیک سلسله اصول اساسی زندگی مشترک توافق کنند. این توافق باز هم تکرار میکنم که توافق و قبول تمام نسخه های یکدیگر نیست و بوده نمیتواند.

فراموش نباید کرد که صلح تسلیمی، بی هویت سازی و قبول حتمی مقابل، ادغام یکدیگر و فریب، در خدمت قرار گرفتن منافع و مصالح استخبارات خارجی و از جمله ای اس ای نیست.

لذا مصالحه سیاسی دفاع از منافع و مصالح کشور، دفاع از نوامیس ملی، عفو و گذشت و کار برای ترمیم و پیش بردن پروسه اعتماد سازی و برخی از اقدامات دیگر است که به مفهوم درست و دقیق آن در تضاد یکدیگر قرار ندارند و نباید قرار بگیرند.

لذا از یک جانب صلح و تفاهم سیاسی و از جانب دیگر جنگ به مفهوم دفاع از آنچه باید دفاع شود، از جانب دیگر عفو و گذشت مناسب همه موارد اند که منطق و استدلال قانونی و منطقی خویش را دارند و اظهارات متعدد تعجب آور، رد کننده و عدم قبول این روشها، درین راستا درست نیست، قوت نداشته و ندارد.

ما راه دیگر بهتر جز تفاهم نیک سیاسی قابل قبول برای همه را نداریم و درین راستا احساسات، خود خواهی های متکبرانه و موفقیت های زود گذر نباید ما را مغرور ساخته و راه اساسی حل را فراموش کنیم.

ما مطالب را دیروز قبول نداشتیم و دیدن آنرا نمی توانستیم قبول کنیم اما امروز و فردا مطالب را مجبورا قبول خواهیم کرد که به صورت شنیع و بدی بر ما تحمیل شوند و در آن صورت عواقب آن بدتر خواهد بود. تا دیر نه شده درین راستا باید واقع بین بود و فرصت ها نباید از دست داد.

اظهارات جناب عبدالرب رسول سیاف که بگشود و خوب بگشود ویا چنان بگشود وچنین بگشود ... به گمان اغلب ناشی از فشار خواهد بود که بر علیه وی قرار دارد. عالم دین رابط است و سازنده است تا سوزنده.

عالم دین ناجی است و خیرخواه و اصلاح کننده تا گشوده و تشدد طلب. حق را باید گفت، تخلف و فتنه را باید نام برد، حکم درست را از نادرست توضیح و تشریح کرد اما قبل از اینکه مانند ارگان دولتی که قانون را تطبیق و

تحمیل و با تشدد اعمال میکند، برملا و عالم است به موعظهٔ حسنه و مراجعه به الله تعالی و راه حق مردم را دعوت کند و برای آنها احکام الهی را از تخلف، کشتن و آزار خلق الله به راه خیر و راستی و حق دعوت کند.

عالم دین که از رساندن رسالت و توضیح سخن حق و تفاهم نیک به گشتن و بستن و خوب گشتن امر میکند باید مقام و جایگاه خویش را عوض نموده و درارگانهای امنیتی و نظامی کشور ایفای وظیفه بدارد تا در مسند و مرجع وعظ و تفاهم نیک و دعوت گری به انتخاب را درست و رفتن به آن. درین سخن باریکی دارد که عدم دقت به آن مشکل ایجاد میکند. با چنین نوع اظهار تشدد، گشتن و بستن نقش همچو اشخاص را در جرگه صلح خاتمه یافته دانسته و اشغال پست های دولتی و امنیتی نظامی را که نیز برای نظام ضرورت است و جایگاه خویش را دارد تجویز میکنم. به فهم من قانون باید به صورت درست و دقیق تطبیق شود. هرگونه افراط و تفریط، تعصب، قهر و غصه منجر به بی عدالتی های دیگر میشود که باید حاکمیت سالم به آن اجازه نه دهد.

مسلم این است که دقیقاً اجرای عمل حرام برای دفع امرحرام مبرر شده نمی تواند و نیست. درین ارتباط عمل انتحاری که منجر به قتل انسانان بی گناه شده، سوختاندن مکاتب و مسجد و تمام اعمال که به آزار واذیت مردم، قتل و ریختن خون انسان بی گناه گردد و انفجار و عمل انتحاری در مراسم عروسی و یا بس (اوتوبس) حرام بود و حرام است. منطق سخن و روشنی حکم اسلام درین راستا بوضاحت دلالت به این امر میکند که سازمان دهان اصلی این اعمال قبل ازینکه مراجع دینی و اسلامی باشند، مراجع استخباراتی و درحالت قبل ما قبل از همه سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ای اس ای پاکستان) و ادارات مشابه میباشد.

درمورد تصحیح اشتباه و اقرار بخطا و بد گفتن امر ناحق و اقرار بعمل که دیروز خود اجرا میکرد، علامت نشانه مثبت و خیر است. امید تمام جوانب زیدخل به این قضایا به این نتایج خیرکه جنایت را جنایت بنامند متوسل شوند.

دراخیر یکبار دیگر تأکید کردن میخواهم که ارگانهای کشفی، امنیتی و نظامی، ملا و عالم، قاضی و خرنوال، زندان و توقیف بلاخره رئیس جمهور و ... هر یک جایگاه ووظایف خویش را در جامعه دارند و عدم مراعات باریکی ها دروظایف و طروق برخورد شان برمسایل و عدم مراعات جایگاه و مقام هر یک به صورت جدی مشکل ایجاد میکند و نظم لازم و مطلوب را برهم میزند.

و اما درین ارتباط بحث اینکه کدام حرکت و سازمان سیاسی، سازمان رهایی بخش ملی و کدام یک سازمان سازمان و حرکت یاغی و باغی است و اینکه درطول تاریخ جوامع بشری کدام سازمان سیاسی درکدام مراحل ازیک سازمان های یاغی و باغی بودند و درکدام مراحل به سازمان مقاومت ملی مبدل شده؟، نشانه های این تبدیلی چیست و کی میتواند آنرا روی دست بگیرد؟، کدام سازمان مقاومت ملی در طول تاریخ اصلاً ناکام شده است؟ و اینکه تازمانیکه مشکل افغانستان با پاکستان و ختم بازی دوگانه پاکستان به صورت درست حل نه شود مردم افغانستان روی خوشی نه خواهند دید و ... مطالب اند که قابل بحث درین ارتباط اند که تمرکز به آن ایجاب وقت و توضیح بیشتر میکند. مسلماً که پرداختن به آن از حوصله خواننده امروزی نیز خارج به نظر میخورد.

پایان